



پرجذبه اما دلسوز

گفت‌وگو با بهمن جورابچی، مدیر دبیرستان‌های دهه شصت

گفت‌وگو کننده: بهناز پورمحمد



اشاره

بین سال‌های دهه‌های شصت، هفتاد و هشتاد، احوالات مدرسه‌ها گونه‌به‌گونه بود. در شمیران تهران تعدد و تکثر باورها و رفتارها در کنار مسائل متعدد سیاسی و اجتماعی، مدیران مدرسه را با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو کرده بود. در حالی که دهه شصت بسیار سیاسی و ملتهب بود، در دهه هفتاد مسائل اجتماعی و فرهنگی جای مشکلات گروهکی را گرفت. حضور اتباع بیگانه و تمایزات متفاخرانه ثروتمندان در مناطق شمال شهر تهران به مسائل مدرسه‌ای رنگ و بوی جدیدی داد و مشکلات و آسیب‌های اجتماعی نیز شمایل جدید پیدا کردند. در این بین بهمن جورابچی، یکی از مدیران جوان مدرسه‌های منطقه یک شهر تهران بود که در سال شصت اولین تجربه مدیریت را کسب کرد و از آن پس بیش از سی سال مدیریت مدرسه‌های خاص و شاد و پرشاگرد شمیران را بر عهده گرفت. در این مصاحبه، با رویکرد خاص و البته موفق او در اداره دبیرستان‌های پرمشکل شهر تهران به اجمال آشنا می‌شویم.

● بحث این شماره مجله مدرسه فردا آسیب‌های اجتماعی است؛ مثل: دزدی، مواد مخدر، مسائل جنس مخالف، سیگار، طلاق. شما بر اساس تجربه زیسته‌ای که داشتید، در مواجهه با این مسائل، چگونه دانش‌آموزان را اداره می‌کردید؟

□ جورابچی: نکته‌ای را ابتدا از مدیریت باید بگویم. اگر شیفته کارتان نباشید، من تا فردا هم اینجا صحبت کنم، فایده‌ای ندارد. قبل از اینکه به دانش‌آموز رسیدگی شود، باید به مدیر و معلم‌ها رسیدگی کرد و اصلاحشان کرد. چرا همه توجه‌ها سمت دانش‌آموز است؟ اول مدیر، معاون و دبیران را اصلاح کنیم، لم مدیریت و لم آموزش را به آن‌ها آموزش بدهیم و طرف واقعاً دبیر شود، وقتی دبیر شد، مشکلات کلاس را خودش حل می‌کند.

● مدیر مدرسه در زمینه آسیب‌های اجتماعی چه دانش‌هایی باید داشته باشد؟

□ جورابچی: صمیمیت اصل است. اولاً بچه‌ها را با اسم کوچک صدا بزنید. حتی دانش‌آموزان بد را. لطفاً به آن‌ها

● دهه شصت منطقه یک تعدادی ضدانقلاب، چند سال مردودی، مدیریت منطقه عهد بسته بود همه این‌ها را بفرستند مدرسه حاج آقا جورابچی.

□ جورابچی: مجبور بودند. کسی را غیر از من نداشتند. می‌دانید! کسی نمی‌توانست هم‌زمان قاطعیت شدید و همدلی و مرام به خرج دهد.

خانه خوابیده بودم. ساعت نه شب بود. بچه‌های سپاه آمده بودند دنبالم. من هم خوابیده بودم. گفتند بیا سرپل تجریش، اراذل و سلطنت‌طلب‌ها زنجیر کشیده‌اند و تابلوهای مغازه را پایین آورده‌اند، ما نتوانستیم از پششان بر بیاییم. در عرض سه دقیقه آماده شدم و رفتیم سرپل. با زنجیرهای فلزی بلند وسط میدان بودند. با خودم گفتم چکار کنیم؟ پشت بلندگو گفتم این کیه؟ بومی‌های آنجا صدای مرا می‌شناختند. مثل اینکه وبا آمده باشد، همه پراکنده شدند. به خدا به آن صورت دست‌بزن هم نداشتیم. ده دقیقه بعد به سپاه گفتم من بروم؟ گفتند شما را می‌رسانیم. یعنی به دلیل چندین سال مواجهه با شرورترین جوان‌های شمیران، خیلی‌ها از من حساب می‌بردند.

نگویید بد هستند. من در رشته انسانی دانش آموز داشتم هیولا. به همان هیولاها هم عشق می‌ورزیدم. به‌طور مثال، دیدم رنگ بچه روز به‌روز زردتر می‌شود. نامه‌ای نوشتم از خانم لطفی در بیمارستان شهدای تجریش، خواستم از این بچه آزمایش بگیرند تا بفهمیم مشکل او چیست؟ جواب آزمایش نشان داد این بچه از ناحیه مجاری ادراری عفونت دارد.

مادر بچه را خواستم، گفتم روزی چندمرتبه این بچه را بوس می‌کنی؟ گفت هیچ‌وقت. گفتم، من هر روز چهره بچه‌های شما را که شش‌صد نفر هستند بررسی می‌کنم که مشکلی برایشان پیش نیاید. بچه شما در اثر بی‌توجهی شما مشکلتش تا مرز عفونت کلیه پیش رفته است. طرف به دلیل عاطفی، گرفتاری شدید جنسی پیدا کرده بود.

این موارد هم جزو آسیب‌های اجتماعی محسوب می‌شوند. معلم باید حوصله کند. شما باید تا هر وقت که لازم است در مدرسه بنشینید. اگر نمی‌توانید، این مسئولیت را قبول نکنید. به بچه‌هایی که مشکل دارند بگویید بعد از وقت اداری از این ساعت تا این ساعت من در دفتر هستم. حالا شاید همان روز دانش‌آموز را تنبیه کرده باشم، ولی پس از آن می‌نشینم، با او حرف می‌زنم، علاقه‌ام به او را ثابت می‌کنم و برای رفع مشکل فکر می‌کنم.

● در قضیه بیماری‌های خاص از کجا

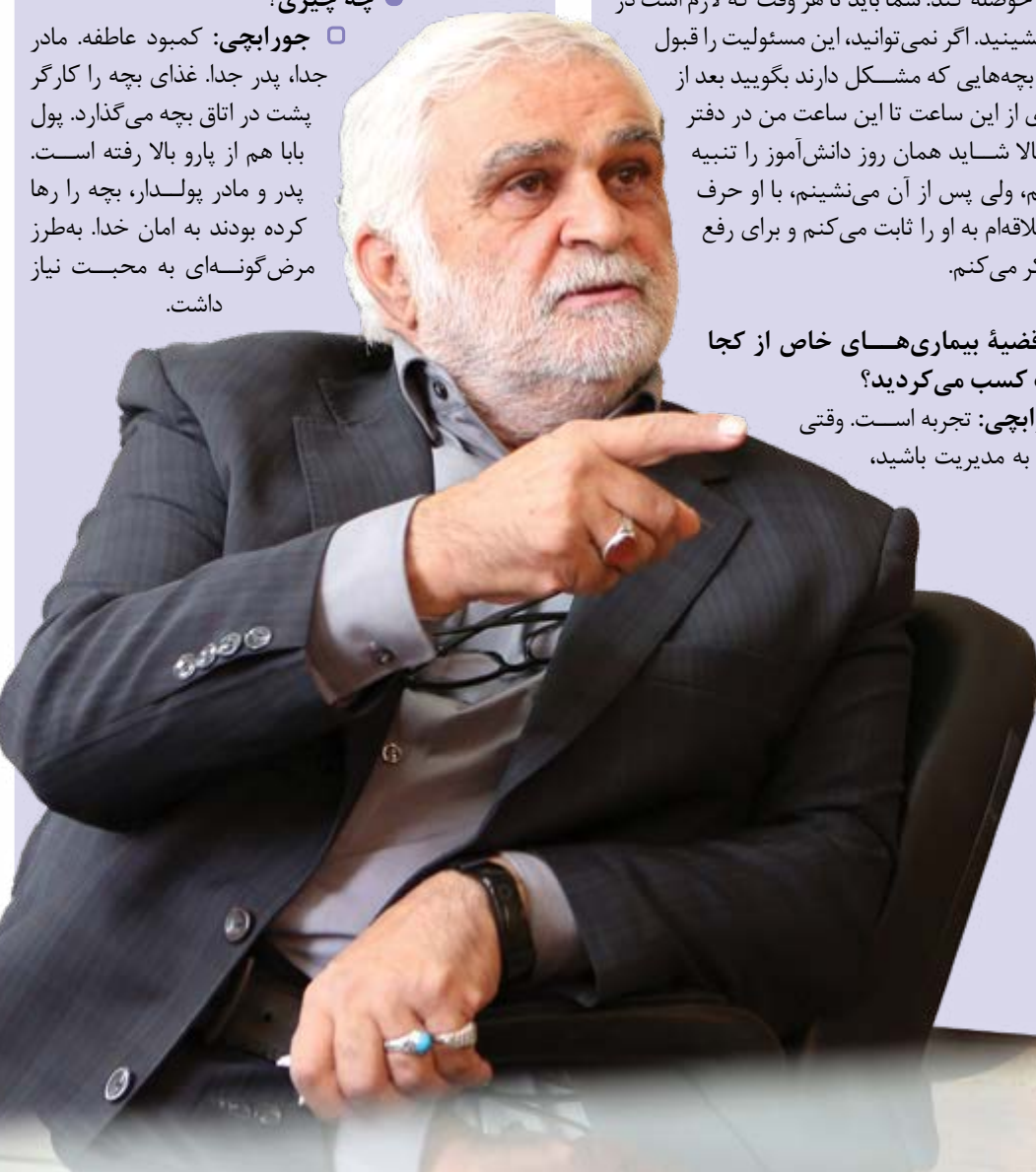
اطلاعات کسب می‌کردید؟

□ جورابچی: تجربه است. وقتی علاقه‌مند به مدیریت باشید،

با مطالعه متوجه می‌شوید. اگر مطالعه هم نکردید، از رنگ رخسار بچه متوجه می‌شوید که چهره دانش‌آموز از دیروز تا امروز خیلی فرق کرده است. از حالت‌ها و سکنت جوان می‌توان فهمید حالش خوب نیست. ضمن اینکه اگر بداند دوستش دارید، برخی مواقع خودش سراغ شما می‌آید. من دانش‌آموزی داشتم که هر روز کاری می‌کرد تا تنبیهش کنم. وقتی تنبیهش می‌کردم، می‌گفتم شاهین جان برو سر کلاست باباجان. پس از مدتی خسته شدم. گفتم چرا مجبورم می‌کنی تنبیهت کنم؟ گفت شما وقتی مرا تنبیه می‌کنید، خیلی فشنگ می‌گویید بابا جان! گفتم خب پسر خوب، هر روز صبح بیا من به شما باباجان بگویم، بعد برو سر کلاس. آن موقع تازه فهمیدم شاید مسئله به موضوع دیگری مربوط باشد.

● چه چیزی؟

□ جورابچی: کمبود عاطفه. مادر جدا، پدر جدا. غذای بچه را کارگر پشت در اتاق بچه می‌گذارد. پول بابا هم از پارو بالا رفته است. پدر و مادر پولسدار، بچه را رها کرده بودند به امان خدا. به‌طرز مرض‌گونه‌ای به محبت نیاز داشت.





● چرا؟

□ **جورابچی:** برای اینکه این‌ها هیچ‌چیز بلد نیستند. خانواده ندیده‌اند که بدانند داشتن عاطفهٔ بابا یا عاطفهٔ مامان یعنی چه؟ بچه‌هایی را که پدر و مادر دارند می‌بینند، اذیت می‌کنند. وقتی کسی بابا ندارد، نباید در مورد حضور پدر در مدرسه حرف بزنید. نداشتن پدر و مادر کار را خیلی سخت می‌کند. من مشکلات زیادی را در بچه‌هایی دیدم که پدر و مادر نداشتند و از حیث اجتماعی و عاطفی بی‌تاب و بی‌قرار شده بودند.

● شما از کجا متوجه می‌شوید بچه‌ای بچهٔ طلاق است؟

□ **جورابچی:** اگر عاشق کارتان باشید، متوجه می‌شوید. می‌بینید کمی گوشه‌گیر است، از بچه‌هایی که خانواده دارند خیلی عقب‌تر می‌ایستد و فاصله می‌گیرد، خیلی در خودش است. این نشانه‌ها را نمی‌توانیم عمومیت ببخشیم. با این بچه‌ها باید عاطفی رفتار کرد. به‌طور مثال، دستی بر سر و رویشان بکشید و بگویید بابا از مشکل شما باخبر هستم. وقتی بگویید مشکلات را می‌دانم، عین بمب می‌ترکد. البته این گفت‌وگوها باید در خلوت باشد. در قدم اول باید شنوندهٔ فعال و صوری باشید.

● ما چه کار کنیم؟

□ **جورابچی:** خانواده را در جریان بگذارید. بچه را سکهٔ یک پولش نکنید. مشورت کنید. نگذارید خلوت‌های جوانانه داشته باشد. خیلی هم صحبت نکنید. یک خاطرهٔ مجبورم بگویم. خانمی حامله در باغ فردوس شمیران نشسته بود. من آن زمان مدیر دبیرستان آل‌احمد بودم. ۶۰۰ دانش‌آموز داشتم. گفت، حاج‌آقا پول مرا یکی از

بابای بچه را خواستم. گفتم احمق‌تر از شما هست؟ گفت چرا توهین می‌کنید؟ گفتم بچهٔ شما هر روز تنبیه می‌شود که بشنود باباجان! هر روز دست این بچه را بگیر، ببر نمایش یا اصلاً با او وقت بگذران. البته این مورد به روان‌شناس نیاز داشت، اما والدین نادان و سرشلوغ و پولدارش او را رها کرده بودند و بچه خیلی آسیب دیده بود.

● در مورد طلاق و بچه‌های طلاق هم صحبت می‌کنید؟

□ **جورابچی:** بیشتر آسیب‌های مدرسه برای بچه‌های طلاق و بچه‌های پرورشگاه است. به نظر بنده، طلاق اصلی‌ترین عامل انحراف جوانان است. این جوان برای پرکردن خلأ عاطفی و مالی و خانوادگی، هر غلطی می‌کند.





کشف می کردید؟ و اصلاً ماجرای شرعی مسئله ارتباط با جنس مخالف به کنار، از لحاظ آموزشی و رفتاری در روحیه بچه ها این جریان اثر می گذارد؟

جوابچی: صد در صد. پسرهایی که گرفتار روابط جنسی می شوند، معمولاً خیلی زود مشخصات بارز شخصیتی و علمی خود را از دست می دهند. البته استثنا هم دارد. اما از ظاهر پسرها خیلی چیزها پیدا می شود. دسترسی به فضای مجازی هم مهم است. اما دهه قبل این موضوع جدی نبود.

● ادامه گفت و گو در رمزینه می آید.



با پویش رمزینه،
ادامه گفت و گو
را مشاهده کنید

بچه های شما دزدید! آن زمان تازه دویست تومانی چاپ شده بود. گفتم بابا از کجا می دانید؟ گفت مطمئن هستم. گفتم اینجا ۶۰۰ دانش آموز دارد. پشت پنجره بایست، وقتی بچه ها کلاس می روند شما بازدید کن. هنگام بازدید، به یکی از بچه ها اشاره کرد. گفتم کیف پول شما را می توانم ببینم؟ گفت بله اشکالی ندارد. وقتی بو کردم، دیدم بوی ادوکلن خاصی را می دهد. گفتم شما برو، من فردا پول شما را تحویل می دهم.

به دانش آموز گفتم کیف پولت را ببینم. گفت پول خودم است. گفتم بابا جان اشکالی ندارد. فقط ببینم. پول را بو کردم. یک دویست تومانی هم از آن خانم گرفته بودم. گفتم فلانی این پول را بو کن. پولی که در جیب تو بوده را هم بو کن. یکی نیست؟ گفت حاج آقا خرج کردم. فردا بقیه اش را می آورم. گفتم نه. اجازه بده زنگ بزnm کلانتری، بیايند تو را به عنوان دزد ببرند. گفت حاج آقا پنجاه تومان آن را همین الان می دهم. گفتم اگر برگردانی، دیگر دزد نیستی، ولی اگر دوباره تکرار شود، به کلانتری زنگ می زنم. به پدر و مادرش هم نگفتم. بچه بود. اگر یک دفعه اتفاق بیفتد، اشکال ندارد.

● اگر می گفت حاجی دارید به من تهمت می زنید و مقاومت می کرد، چه کار می کردید؟
جوابچی: می زدمش.

● معلمان و مدرسه ها الان اعتقاد دارند نباید بچه ها را بزnm. در این باره چه توضیحی دارید؟
جوابچی: این ها خائن به مملکت هستند. تنبیه بدنی گناه کبیره نیست. گاهی جواب می دهد. به خصوص اگر از سر دلسوزی باشد. بچه های امروز بالاخره باید از کسی حساب ببرند. ما از سر دلسوزی فرصت می دهیم جوان خود را نابود کند!

● یعنی شما به تنبیه بدنی در شرایط نیاز باور دارید؟
جوابچی: حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: تنبیه کنار تشویق.

● تنبیه بدنی؟
جوابچی: تنبیه دیگر. حالا هر چه که شما دوست دارید، تسری بدهید. جایی که باید تشویق کرد، باید تشویق شود و به خاطر کار بدش هم از تشویق کار خویش نباید محروم شود.

● شما گفتید الان مسئله جدی آسیب اجتماعی بچه ها ارتباط با جنس مخالف است؟
جوابچی: یکی از مشکلات است.

● گفتید مهم ترین آن ها است. این مسئله را چگونه